و عیال و اطفال ما با توابع و لواحق بل اکثر اهل دیار از آن مستفید کردند شاید که انفاس
قدسیه شما در ایشان اثر کنند که از طریقه هوا و بدعت و از مخالفات شریعت مجتنب کردند
بنا بر استرضار ایشان راضی شدم ردی بدو ابه نهادم بعد از نزول در آن منزل عوام
و خواص آن دیار توجه نمودم ولیکن بعضی مستفید طریقت و شریعت شدند و بعضی مستفید
مجالست و مخالطت و استماع مواعظ و نصایح گشتند که تا بعد از آن باز مرتکب انواع
محظورات و ممنوعات شدند چه اکثر افغانان بل تمامهم محبت در استماع دارند خواه
مسموعات خیر باشد خواه شر از جهة تغلب جهل و حماقت بر ایشان اما ادای مسموعات
خیر را کم بجا می آرند بل اکثر افاغنین این زمانه از استماع خیر گریزان اند و استماع شر
را جویان چنانکه دیده میشود درین ایام چه فساد اهل عناد در میان ایشان بسیار اند
بسیار شایع شده حتی که ادای مواعظ و نصایح و مواظبت شریعت محمدی را علیه السلام از
ترس ایشان بجا آوردن ممکن نیست بعد از استقامت یکساله در دو آبه باز میخواستم
که توجه بولایت خود نمایم اما یاران و محبان و مخلصان گلیانی مانع شدند حیله ممانعت
پیش آوردند که در ولایت یوسفزی دو ملحدان متمردان مخالفان شریعت محمد باشند
شهرتی نام دارد که یکی پیر طبیب نامند که از افغانان علیحی است اصلاً دوم پیر ولی گویند که
از افغانان برچی است که اکثر مردم آن دیار از راه راست محمدی بیرون برده اند و
میبرند روش ایشان آنکه سرود شنوند و مباح دانند زنان مردان و خوردان و بزرگان
ابر خود جمع میسازند سخنان پراگنده از حد شرع بیرون می گویند حتی که پیر ولی خود را
خدای میگویند نعوذ بالله من ذالک شاید که توجه بدان حدود نمایند تا عوام آن مردم را
از کفر و ضلالت نجاتی دهانید چون خلل دین محمدی را شنیدم توجه بدان حدود بر خود
فرض دیدم اما مردم یافتم ساده دل که در حقیقت همگی ایشان دین طلب و خدا طلب
بودند جوانان ایشان از پیران در دین استوار تر زنان ایشان از مردان هنوز در دین
موکد تر اطفال ایشان در حد طفولیت دین طالب ... ایشان
نیز از مخالفات و منهیات شرعیه گریزان اما از جهة نابود بودن در سر ... علم و عمل القیاد
همگی آن مردم جاهل بوده و بسبب بسیاری شیخان باطل و پیران بی حاصل ایشان را براه هایی
مخالف شریعت دعوت می نموده ایشان از ساده دلی و نادانی اجابت کرده آن مخالفات

ف بیان در پیران ملحدان یوسفزی ۱۲